

## آموزش غیررسمی در مطالعات اخیر متخصصان تعلیم و تربیت

فاطمه گودرزی<sup>۱</sup>، علیرضا صادقی<sup>۲</sup>، مصطفی قادری<sup>۳</sup>، حسن ملکی<sup>۴</sup>، غلامرضا یادگارزاده<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبایی

<sup>۲</sup> دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

<sup>۴</sup> استاد دانشگاه علامه طباطبایی

<sup>۵</sup> دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

### چکیده

آموزش غیررسمی در حال حاضر در چارچوب ایجاد جامعه ای پایدار با فناوری پیشرفته، نقش برجسته ای دارد. این مقاله مشکلات کنونی توسعه آموزش غیررسمی را به عنوان عنصری از سیستم یادگیری مادام‌العمر و آموزش بزرگسالان نشان می‌دهد. هدف از این پژوهش، انجام یک بررسی تحلیلی از تحقیقات مدرن است که تجربه بین‌المللی در مطالعه آموزش غیررسمی، شیوه‌های کاربرد آن در کشورهای مختلف و همچنین مکانیسم‌های تشخیص نتایج آن به نمایش می‌گذارد. این کار بر اساس روش شناسی تحلیل تطبیقی، تحلیل محتوای کیفی و گزارش های آماری و تحلیلی است. در این پژوهش تجربیات بین المللی در رابطه با آموزش غیررسمی و تصمیم بر توسعه ی آن در نظام آموزشی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. براساس نتایج بدست آمده آموزش غیررسمی به سه سطح تقسیم شده است (سطح کلان/جهانی، سطح میانی/انهادی، سطح خرد/شخصی). هر یک از آنها موضوعات و روندهای کلیدی در توسعه آموزش غیر رسمی را شناسایی و تشریح کردند. تحقیقات انجام شده این باور را ایجاد می کند که شیوه‌های آموزش غیررسمی شکل‌های سازمانی پیدا می‌کنند. سطح توسعه آموزش غیر رسمی در کشورهای مختلف متفاوت است. با این حال، در جهت حل یک سری مشکلات اجتماعی مشابه با استفاده از منابع آموزش غیررسمی روندهای یکسانی به چشم می خورد. مانند همگام سازی عرضه و تقاضا در بازار، نیروی کار، شمول اجتماعی دسته های مختلف جمعیت و ... تازگی این تحقیق در آن است که به بررسی ظرفیت آموزش غیر رسمی در تقویت حرفه ای مهارت آموزی و ارتقاء مهارت و آموزش بیشتر گروه های مختلف اجتماعی بررسی می کند. و از نتایج این پژوهش می توان برای ادغام آموزش رسمی و غیر رسمی، ایجاد بسترهای یادگیری تجربی و تسریع اقدامات عملی در بهبود سیاست آموزشی استفاده نمود.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش غیررسمی، جامعه ی پایدار، یادگیری مادام‌العمر، آموزش بزرگسالان، سیاست آموزشی، مهارت ها و شایستگی ها، آموزش پیشرفته، بازار کار.

## مقدمه

توسعه آموزش و پیاده سازی آن به یکی از ویژگی های جامعه مدرن تبدیل شده است، جامعه ای که به طور تدریجی در حال تبدیل شدن به یک جامعه دانشی است. این تغییرات به ویژه در علوم طبیعی و مهندسی مشهود و قابل توجه است، اما تأثیرات آن بر علوم اجتماعی و علوم انسانی نیز محسوس است. برخی فناوری ها تنها پس از یک سال کهنه می شوند، که این امر نیاز به مراقبت ویژه ای در آموزش نسل های جوان و حرفه ای های آموزش عالی، به ویژه در زمینه مهندسی، دارد. آلبرت اینشتین<sup>۱</sup> معتقد است که "آموزش آن چیزی است که پس از فراموشی همه آنچه در مدرسه آموخته شده، باقی می ماند"، در حالی که برای Nelson Mandela، آموزش "قدرت ترین سلاحی است که می توان برای تغییر جهان از آن استفاده کرد". آموزش را می توان به عنوان "یک فرایند تربیتی در جهت غنی سازی دانش انسانی تعریف کرد. این فرایند شامل پذیرش یک سیستم خاص از دانش، شکل گیری مهارت ها و عادات عملی است که پیش نیاز و اساس توسعه توانایی ها و قدرت های شناختی، شکل گیری دیدگاه علمی، و پیوند دانش با فعالیت های عملی، حرفه ای و هر فعالیت دیگری است" (دایرةالمعارف آموزشی، ۱۹۸۹: ۱۲۶). انگلیس که آموزش اجباری را برای اولین بار در سال ۱۸۷۰ معرفی کرد، آموزش را به عنوان "فرایند تغییر شخصیت فرد به سمت جهت دلخواه با پذیرش محتوای مختلف بر اساس سن و نیاز فرد" تعریف می کند. برای روس ها، آموزش "یک فرایند هدایت شده از آموزش و پرورش در راستای منافع فرد، جامعه و دولت است که به تسلط بر ارزش های فرهنگی، نگرش اخلاقی و عاطفی نسبت به جهان، تجربه فعالیت های حرفه ای و خلاقانه ای که دستاوردهای معنوی و مادی بشر را حفظ و توسعه می دهند، منتهی می شود". فعالیت آموزشی می تواند عمدی یا غیرعمدی باشد. آموزش عمدی ماهیت نهادی دارد و در مؤسسات آموزشی انجام می شود، در حالی که آموزش غیرعمدی یک فرایند بدون برنامه ریزی و سازمان دهی است که به طور خودجوش رخ می دهد و از زندگی خود به وجود می آید و تحقق می یابد. تأثیر آموزش بر شکل گیری فرد و جامعه ثابت است و این فرایند به صورت آموزش رسمی، غیررسمی و یادگیری پنهان تحقق می یابد. در سال های اخیر، اصطلاحات آموزش رسمی، آموزش غیررسمی و یادگیری پنهان در مستندات مختلف اروپایی در زمینه یادگیری مادام العمر به کار رفته است.

آموزش به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های توسعه فردی و اجتماعی، به دو نوع اصلی تقسیم می شود: آموزش رسمی و آموزش غیررسمی. آموزش رسمی عمدتاً در نهادهای سازمان یافته مانند مدارس و دانشگاه ها رخ می دهد و دارای ساختاری مشخص و هدفمند است که با اعطای مدارک معتبر همراه است (Naghibzadeh, ۱۴۰۱). شورای اروپا آموزش رسمی را به عنوان "سیستم ساختاریافته آموزش و پرورش که از آموزش پیش دبستانی و ابتدایی تا آموزش متوسطه و آموزش دانشگاهی پیش می رود تعریف می کند. این آموزش در مؤسسات پیش دبستانی، از طریق مؤسسات آموزش عمومی، سپس در مدارس متوسطه عمومی یا فنی و حرفه ای که به مؤسسات آموزش عالی و اعطای دیپلم منتهی می شود، انجام می گردد." طبق نظر Combs آموزش رسمی "یک سیستم آموزشی با ساختار سلسله مراتبی و ارزیابی است که از مدرسه ابتدایی تا کالج ادامه می یابد و علاوه بر تحصیلات آکادمیک تمام وقت، برنامه ها و مؤسسات مختلفی برای آموزش فنی و حرفه ای وجود دارد" (منشور آموزش شورای اروپا، ۲۰۱۰) برای Kulich، آموزش رسمی یک فرایند آموزشی است که در چارچوب سیستم آموزشی رسمی با ساختار سلسله مراتبی (از مدارس ابتدایی تا دانشگاه ها) انجام می شود که در نهایت منجر به کسب عنوان ها و دیپلم های خاص می شود. ما معتقدیم که آموزش رسمی دانشی است که در سیستم های ساختاریافته و تعریف شده ای که توسط

<sup>۱</sup>Albert Einstein

نهادهای دولتی سازمان دهی و مدیریت می شوند، کسب می شود و نتیجه نهایی آن دریافت مدرک معتبر است. طبق نظر Kroll، آموزش مدرسه ای بر اصول رسمی استوار است که در موارد زیر منعکس می شود:

- تسهیل کسب دانش و مهارت های پایه مطابق با یک برنامه و طرح پیش تعریف شده؛
- ساختار سلسله مراتبی به این معنا که رابطه معلم و دانش آموز یک طرفه و عمودی است و معلم حامل دانش و دانش آموز دریافت کننده آن است؛
- تقسیم شده به مقاطع مختلف (دبستان، دبیرستان و دانشگاه)؛
- امکان کسب دیپلم ها، عناوین و وضعیت در جامعه را فراهم می آورد؛
- ماهیتاً انعطاف پذیر نبوده و به نیازهای فردی قابل انطباق نیست (Kachapor & Kulic, Krulj، ۲۰۰۳: ۱۲).

در مقابل، آموزش غیررسمی معمولاً در خارج از چارچوب های رسمی آموزشی انجام می شود و اغلب در قالب دوره های کوتاه مدت، کارگاه ها، آموزش مداوم و حتی از طریق رسانه ها و ابزارهای ارتباط جمعی صورت می گیرد (Manteghi, ۱۳۹۲). این نوع آموزش هدفمند بوده و برای ارتقای مهارت ها، دانش و توانایی های یادگیرندگان طراحی می شود. آموزش غیررسمی به هر برنامه آموزشی برنامه ریزی شده ای اطلاق می شود که به منظور ارتقاء شایستگی ها، مهارت ها و توانمندی ها فراتر از محیط آموزشی رسمی طراحی شده است. طبق نظر یونسکو، آموزش غیررسمی "فعالیت آموزشی سازمان دهی شده ای است که فراتر از سیستم رسمی است و هدف آن پاسخ گویی به نیازهای کاربران و همچنین اهداف آموزشی است" (منشور آموزش شورای اروپا، ۲۰۱۰). با توسعه فناوری های اطلاعات و ارتباطات، دانش بیشتر در دسترس قرار می گیرد زیرا علاوه بر آموزش رسمی (مدارس، آکادمی ها و کالج ها)، آموزش غیررسمی (دوره ها، سمینارها، آموزش ها و مواد مطالعاتی آزاد) نیز برای مردم قابل دسترسی است. تفاوت هایی بین آموزش رسمی و غیررسمی وجود دارد:

- در آموزش رسمی، کسب دانش تحت شرایط بسیار ساختارمند انجام می شود، در حالی که در آموزش غیررسمی در موقعیت های واقعی انجام می شود.
- انتقال دانش در آموزش رسمی به صورت عمودی است - رابطه بین معلم و شاگرد یک طرفه است (معلم حامل دانش است و در بالاترین سطح قرار دارد، دانش آموز در پایین قرار دارد و در حال یادگیری است)، در حالی که فرآیند انتقال دانش در آموزش غیررسمی تعامل دوطرفه و افقی است (بر اساس یادگیری تجربی).
- کسب دانش در آموزش رسمی مطابق با برنامه ها و طرح های رسمی تعیین شده انجام می شود (دانش استاندارد و عمدتاً نظری است)، در حالی که در آموزش غیررسمی عمدتاً از طریق کار عملی انجام می شود (مهارت و دانش عملی کسب می شود)
- مدت زمان آموزش رسمی محدود است، در حالی که آموزش غیررسمی محدودیت زمانی ندارد (یادگیری مادام العمر است).
- پایان آموزش رسمی منجر به دریافت مدرک می شود، در حالی که آموزش غیررسمی بر کسب دانش و مهارت های قابل استفاده تمرکز دارد.

آموزش غیررسمی به هر برنامه آموزشی برنامه ریزی شده ای اطلاق می شود که به منظور ارتقاء شایستگی ها، مهارت ها و توانمندی ها فراتر از محیط آموزشی رسمی طراحی شده است. طبق نظر یونسکو، آموزش غیررسمی "فعالیت آموزشی

سازمان‌دهی‌شده‌ای است که فراتر از سیستم رسمی است و هدف آن پاسخ‌گویی به نیازهای کاربران و همچنین اهداف آموزشی است" (منشور آموزش شورای اروپا، ۲۰۱۰). آموزش غیررسمی می‌تواند به‌طور مؤثر به‌عنوان یک ضدیت ایدئولوژیک، روشی یا اجتماعی در برابر آموزش رسمی تعریف شود. در عمل، این‌ها چندان ضدیت نیستند بلکه عناصری موازی، فرایندها و زیرسیستم‌های سیستم آموزش عمومی هستند که یک مأموریت و اهداف جهانی مشترک دارند، معمولاً از همان ابزارها استفاده می‌کنند، اما در زمینه‌ای جایگزین (Nikolaeva, 2008: ۴۳). آموزش غیررسمی به‌عنوان هر فعالیت سازمان‌یافته‌ای خارج از سیستم رسمی موجود تعریف می‌شود، چه کار مستقل باشد و چه بخشی از فعالیت‌های وسیع‌تر، که برای کاربران خاص و اهداف آموزشی طراحی شده است (Marjanovic, 2003: ۱۴-۹). به نظر ما، آموزش غیررسمی هر نوع آموزشی است که خارج از قالب‌های موسسه‌ای مانند دوره‌ها، سمینارها، کنفرانس‌ها و مشابه آن برای تأمین نیازهای شخصی انجام می‌شود. این آموزش خارج از سیستم آموزش رسمی رخ می‌دهد، اما فرآیند آموزشی ساختارمند و نتایج آموزشی واضحی دارد. شرط اساسی برای آموزش غیررسمی، مشارکت داوطلبانه است و در پایان فرآیند، شرکت‌کنندگان می‌توانند برای دانش کسب‌شده گواهینامه دریافت کنند.

بنابراین، هر فعالیت آموزشی سازمان‌یافته‌ای که فراتر از سیستم رسمی موجود باشد، چه به‌صورت فردی انجام شود یا بخشی از برخی فعالیت‌های وسیع‌تر باشد و به‌منظور خدمت به مشتریان خاص یا اهداف آموزشی طراحی شده باشد، آموزش غیررسمی است که بیشتر بر آموزش متمرکز است. این آموزش بر برنامه‌های به‌صورت آزاد که کمتر استانداردسازی شده‌اند و به نیازهای مادام‌العمر فراگیران تطبیق داده می‌شوند تأکید دارد، فراتر از برنامه‌های دنباله‌دار و تجویزی که در مدارس اجرا می‌شود. در این نوع آموزش، روابط انسانی کمتر رسمی است و نقش‌های معلم و دانش‌آموز به‌طور غالب قابل معکوس شدن است. مربی فراگیران را تشویق می‌کند تا مستقل‌تر باشند. آموزش غیررسمی بر مهارت‌های عملی و دانش تأکید دارد، ساختار آن چندان منظم نیست و انعطاف‌پذیرتر از آموزش‌های مدرسه‌ای است. مربیان و فراگیران در همان سطح هستند و هیچ تفاوتی بین آن‌ها وجود ندارد و مردم آنچه را که نیاز دارند می‌آموزند. یادگیری یک فرآیند پیوسته است، با فرصت‌های غنی برای یادگیری و تجربه‌های فراگیران که اهمیت زیادی دارد. از آنجا که جوامع به سمت دنیای دیجیتال و مبتنی بر دانش پیش می‌روند، نیاز به یادگیری مداوم و به‌روز رسانی مهارت‌ها به‌طور فزاینده‌ای احساس می‌شود. این تحول در مقیاس جهانی قابل مشاهده است و بر کشورهای مختلف تأثیرات عمیقی گذاشته است. در این راستا، آموزش‌های غیررسمی و یادگیری غیررسمی به‌عنوان بخش‌های مهمی از فرآیند یادگیری مادام‌العمر مطرح می‌شوند. این نوع آموزش‌ها که عمده‌تاً خارج از چارچوب‌های رسمی آموزشی و در موقعیت‌های مختلف زندگی روزمره رخ می‌دهند، به فرد امکان می‌دهند تا از تجربیات روزمره و تعاملات اجتماعی به دانش و مهارت‌های جدید دست یابد. آموزش غیررسمی، برخلاف آموزش رسمی که در مدارس و دانشگاه‌ها با برنامه‌های آموزشی مشخص و ساختارهای مشخص اجرا می‌شود، در بسترهای غیررسمی و با روش‌های انعطاف‌پذیر در جریان است. این نوع آموزش می‌تواند از طریق تجربیات زندگی، کار، تعاملات اجتماعی، و حتی رسانه‌ها به فرد منتقل شود و به‌طور طبیعی، بدون نیاز به ساختارهای رسمی و الزامات اداری رخ دهد. این نوع یادگیری به‌ویژه در دنیای معاصر که تغییرات سریع در فناوری و علم به وقوع می‌پیوندد، بسیار حائز اهمیت است. برای مثال، مهارت‌هایی که در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات به سرعت تغییر می‌کنند، نیازمند آموزش‌های غیررسمی هستند تا فرد بتواند به‌طور مداوم با تغییرات تطبیق یابد. در این زمینه، اتحادیه اروپا و دیگر سازمان‌های بین‌المللی تأکید زیادی بر آموزش غیررسمی و یادگیری مادام‌العمر داشته‌اند. در اسناد مختلف این سازمان‌ها، از جمله چارچوب‌های مرتبط با آموزش و پرورش، بر لزوم

فراهم آوردن فرصت های یادگیری برای تمام افراد در هر سن و موقعیتی تأکید شده است. این امر به ویژه در دنیای مدرن که در آن سرعت تغییرات و پیشرفت های علمی و فناوری به طور بی سابقه ای سریع است، بسیار ضروری است. از این رو، آموزش غیررسمی و یادگیری مادام العمر نه تنها به توسعه فردی کمک می کند، بلکه به توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع نیز می انجامد. اتلینگ بیان می کند که آموزش غیررسمی علاوه بر سیستم آموزش رسمی است و مکمل آن می باشد. در آموزش غیررسمی، دانش آموز در مرکز توجه است و ارتباط بین مربی و تمامی شرکت کنندگان به صورت تعاملی و افقی است (Etling، ۱۹۹۳: ۲۹). آموزش غیررسمی بخشی از یادگیری مادام العمر است که در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ پدید آمد و تمام مزایای ابزاری نهادی را نشان می دهد که به طور ضمنی در آموزش رسمی قابل دستیابی نیست، مانند:

- آموزش غیررسمی به صورت فردی شده است، به طوری که منافع، نیازها و توانمندی های دانش آموز فردی را درگیر می کند؛
- این آموزش داوطلبانه است هم برای دانش آموز و هم برای مربی، مربی یا معلم، زیرا هرکدام بر اساس اراده خود و با هدایت پروژه زندگی شخصی خود شرکت می کنند؛
- در محیط های مختلف و در زمینه ای که اصلی و معتبر است، یعنی زندگی واقعی، نه تخیلی یا آزمایشگاهی آموزشی، محقق می شود؛
- بر اساس سبک های جایگزین برای یادگیری و فروش مجدد؛
- تعادل موفق تری بین ابعاد شناختی، احساسی و عملی یادگیری برقرار می کند؛
- یادگیری فردی و اجتماعی را یکپارچه می کند و آن را به سطح مشارکت محور و همبستگی می رساند؛
- مشارکتی (بر اساس مشارکت و مشارکت محور) و متمرکز بر یادگیرنده است؛
- به صورت کل نگر، فرآیند محور یا محصولات اصیل در ایجاد آن؛
- به طور تجربی از طریق تبادلات بین فرهنگی و پدیده هایی مانند محرک یادگیری و وسیله آن آموخته می شود؛

آموزش غیررسمی تا حد زیادی بر یادگیری از طریق یادگیری مبتنی است که از طریق آموزش حاصل می شود و شامل چهار مرحله است:

۱. آزمایش - استفاده از یکی از روش های آموزشی (نمایش نقش، شبیه سازی، مطالعات موردی، درس).
۲. تأمل - بررسی و تحلیل تمریناتی که انجام شده است از طریق پرسیدن سوالات. این مرحله در چرخه آموزشی به شرکت کنندگان این امکان را می دهد که به عقب برگردند و همه چیزهایی که در مرحله قبلی انجام داده اند را شناسایی کنند. برای آنها مهم است که بین واکنش ها، احساسات و آنچه که فکر کرده اند، تفاوت قائل شوند. با کمک یک مربی و به طور ساختاریافته، شرکت کنندگان باید احساسات خود را مرتبط کرده و به طور انتقادی و تحلیلی فکر کنند.
۳. اعلان ها - شرکت کنندگان در این مرحله درس هایی را می سازند، پنجره های جدیدی را شناسایی می کنند، مهارت ها و تغییرات در تأکيدها را بر اساس دو مرحله قبلی تشخیص می دهند. مربی به شرکت کنندگان کمک می کند تا از تجربیات و مباحث اخیر خود یک قدم به عقب بردارند و به طور انتقادی در مورد «درس های آموخته شده» از دو مرحله قبل فکر کنند.

۴. درخواست ها - پس از اینکه شرکت کنندگان مرحله اعلان را گذراندند، بر اساس درس های آموخته شده از دو مرحله قبلی، به بررسی این موضوع می پردازند که آیا می توانند از دانش و مهارت های جدید برای انجام کارهای مؤثرتر و رفتار بهتر در آینده استفاده کنند. تحت شرایط ایده آل آموزشی، شرکت کنندگان قادر خواهند بود آنچه را که در دوره آموزش آموخته اند، چه در زندگی حرفه ای و چه در زندگی شخصی، بسته به نیازهایشان، درک و به کار بگیرند.

آموزش غیررسمی، به عنوان ابزاری برای تقویت دانش و مهارت ها، محتوای پیچیده ای دارد و جزئی از فعالیت های یادگیری مادام العمر است. تمام برنامه ها می توانند به دو گروه تقسیم شوند:

- برنامه های آموزشی که دانش و مهارت های مختلفی را کسب می کنند.
- برنامه های مرتبط با آموزش تأکیدات و ارزش های زندگی.

گروه های اصلی روش هایی که در آموزش غیررسمی استفاده می شوند (مانند فعالیت های جوانان)، با رویکردهای مبتنی بر ارتباطات پیشرو: تعامل، دیالوگ، میانجی گری، فعالیت: آزمایش شخصی، تمرین، آزمایش شده؛ مشارکت اجتماعی: مشارکت، کار تیمی، شبکه سازی؛ خودتنظیمی: خلاقیت، کشف، مسئولیت. آموزش غیررسمی آن است که توسط قوانین، مقررات و دستورالعمل ها تنظیم نمی شود. این آموزش می تواند هم در مؤسسات آموزشی نهادی و هم مستقل از آن ها تحقق یابد. آموزش غیررسمی تمام گروه های سنی را پوشش می دهد. محتوای آن، اشکال، روش ها و فناوری های آموزشی در گفت و گو بین یادگیرنده و مربی تعیین می شود. در خودآموزی، یادگیرنده خود هدف، وظایف، محتوا و فناوری ها را بسته به نیازها، انگیزه ها، علایق و فرصت های خود تعیین می کند. آموزش غیررسمی زمانی تمام می شود که هدف تحقق یابد و نیازها و علایق برآورده شوند. هیچ مدرکی صادر نمی شود و هیچ گونه حقی تضمین نمی شود. در بیشتر موارد، حتی اگر مدرک دوره ای صادر شود، معادل مدارک صادر شده در آموزش رسمی نیست و شناخت آن بستگی به تمایل کارفرما دارد. آموزش غیررسمی به سمت توسعه هوش، فرهنگ، ویژگی های شخصیتی و توانایی های فردی شخص هدایت می شود. این موارد در زندگی به اثبات می رسند (Pavichevich & Petrovich, 2015). در ادبیات تخصصی و در عمل، انواع مختلفی از آموزش غیررسمی وجود دارد - موضوعی که همچنین موضوع بحث مداوم است و در شاخص های استفاده شده برای نظارت بر این فرآیندها منعکس می شود (Atanasova, 2015). برای جایگاه گذاری بهتر آموزش غیررسمی در کل بخش آموزش و جامعه به طور کلی، لازم است برخی از معیارها یا استانداردهای کیفیت گنجانده شود تا جامعه و تمام ذینفعان را متقاعد کند که این نوع آموزش دارای معناست، یعنی از نظر اهمیت برای فرد و جامعه باید حرفه ای و برنامه ریزی شده باشد تا با خود برخی از شایستگی ها را که می توانیم بر اساس استانداردهای مشخص اندازه گیری کنیم، همراه داشته باشد (Milovanovic, 2009).

مقوله یادگیری غیررسمی، مقوله ای مهم می باشد که در گذر زمان، اهمیت آن بیش از پیش می گردد. اما نکته مهمی که در ارتباط با آموزش غیررسمی باید متذکر آن گردید، آثار و تبعات مثبت و منفی این آموزش است، به این معنا که یادگیری غیررسمی، برخلاف آموزش رسمی که عمدتاً به آرایه برخی از توانایی ها و کاربرد ها به فراگیران می انجامد، توان اعتلاء یا اضمحلال ارزشی انسان ها را دارد و بسته به ارزش های مثبت و انسانی یا منفی و غیر ارزشی که در بطن آن است، می تواند در سطح جمعیت هدف و فراگیران به شکل مثبت یا منفی، عمل کند. به تعبیر دیگر با بررسی مصادیقی از یادگیری غیررسمی که در جهان حاضر وجود دارد می توان ملاحظه کرد که گاهی یادگیری غیررسمی در جهت تحقق اهداف مثبت و آرمانی و گاهی این آموزش در جهت تحقق اهدافی منفی و ضد ارزشی، به کار گرفته شده اند (Manteghi, 1392). آموزش غیررسمی

به یادگیری خارج از سیستم آموزشی رسمی اطلاق می شود و به افزایش دانش و مهارت های لازم برای بهبود شرایط زندگی و اشتغال فرد کمک می کند. آموزش غیررسمی به دلیل انعطاف پذیری و امکان تطابق با نیازهای فوری افراد و جوامع، به ویژه در مواجهه با نیازهای سریع صنعت و بازار کار، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این آموزش می تواند زمینه ساز رشد حرفه ای و شخصی افراد شود و به توسعه اجتماعی و اقتصادی کمک کند. یک پارادایم آموزشی جدید با سیاست یادگیری مادام العمر همراه است که در آن آموزش غیررسمی نقش مهمی ایفا می کند. ویژگی های آموزش غیررسمی و راه های احتمالی اجرای آن در برنامه های آموزشی عمومی یا آموزش دانشگاهی باید به درستی درک شود، بنابراین با هدف توسعه اجتماعی و اقتصادی، رشد حرفه ای و شخصی و همچنین عامل مهمی در تعیین سطح نوآوری در اقتصاد است. تعداد زیادی از بررسی ها، اسناد رسمی بین المللی و گزارش ها در مورد این موضوع تا کنون جمع آوری شده است. این امر سیستم بندی و ارزیابی بهتر تجربه موجود در این زمینه را همراه با تقویت بهترین شیوه های آموزش غیررسمی تسهیل می کند. با گسترش مهارت ها و توانایی ها از طریق این نوع آموزش، فرصت های بیشتری برای نوآوری و اشتغال زایی در جامعه به وجود می آید. این دیدگاه با تحقیقات صورت گرفته توسط نهادهای بین المللی نیز همخوانی دارد و بر اهمیت آن در تنظیم و تدوین سیاست های آموزشی تأکید دارد.

آموزش غیررسمی نقش بسزایی در توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع دارد. این نوع آموزش، افراد را قادر می سازد که مهارت های لازم برای اشتغال و مشارکت در جامعه را به دست آورند و در نتیجه، به بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی خود کمک کنند. مطالعات متعدد نشان داده اند که آموزش غیررسمی به دلیل تأکید بر مهارت آموزی و کاربردی بودن، در رفع نیازهای بازار کار و بهبود سطح بهره وری نیروی کار تاثیر چشم گیری دارد. به همین دلیل، آموزش غیررسمی به عنوان یک ابزار مهم برای مقابله با بیکاری و افزایش اشتغال در بسیاری از کشورها مطرح شده است (McLean, 2009). آموزش غیررسمی به ویژه در شرایطی که جوامع با تغییرات سریع اقتصادی و نیازهای جدید در بازار کار روبه رو هستند، اهمیت ویژه ای دارد. این نوع آموزش به دلیل انعطاف پذیری بالا، قابلیت تطبیق با نیازهای فوری و خاص جامعه و بازار کار را داراست. آموزش غیررسمی به یادگیری مادام العمر کمک می کند و با فراهم آوردن فرصت های متنوع آموزشی، امکان تقویت مهارت های شغلی و اجتماعی را در افراد فراهم می کند. این ویژگی های آموزش غیررسمی باعث شده است که بسیاری از صاحب نظران این نوع آموزش را مکملی برای آموزش رسمی بدانند و به ضرورت اجرای آن در کنار آموزش های رسمی تأکید داشته باشند (Hanse, 2016). همچنین، نهادهای بین المللی همچون سازمان ملل و یونسکو بر اهمیت آموزش غیررسمی در توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع تأکید داشته اند و آن را بخشی از استراتژی های آموزشی برای توسعه پایدار معرفی کرده اند. به طور کلی، آموزش غیررسمی می تواند باعث افزایش مشارکت اجتماعی، کاهش نابرابری های آموزشی و بهبود وضعیت اقتصادی جامعه شود (یونسکو، 2021). آموزش غیررسمی به دلیل ماهیت پویا و ساختار غیرنهادی، توانایی هم افزایی و ارتقای ارزش های انسانی و اجتماعی را دارد. با این حال، می تواند تأثیرات متناقضی نیز داشته باشد؛ چنانکه بسته به محتوای مثبت یا منفی آن، ممکن است موجب تقویت یا تضعیف ارزش های جامعه شود (Manteghi, 1392). به همین دلیل، سازماندهی و مدیریت صحیح آموزش غیررسمی اهمیت زیادی دارد تا بتواند در راستای اهداف اجتماعی و اقتصادی مؤثر باشد و از تبدیل شدن به ابزاری برای ترویج ناهنجاری های اجتماعی جلوگیری کند. یکی از مهم ترین ویژگی های آموزش غیررسمی، انعطاف پذیری و تطابق پذیری آن با نیازهای فوری و خاص یادگیرندگان است. این آموزش ها معمولاً نیاز به تجهیزات پیشرفته یا فضاهای خاص ندارند و می توانند در قالب های مختلف و با محتوای متنوع ارائه شوند. برخلاف آموزش رسمی که دارای

برنامه‌ریزی ساختارمند و محدودیت‌های زمانی مشخصی است، آموزش غیررسمی می‌تواند با نیازها و علاقه‌های خاص افراد سازگار شود و به صورت متنوعی ارائه گردد. با این حال، آموزش غیررسمی چالش‌های خاص خود را نیز دارد. از آنجایی که این نوع آموزش عموماً فاقد چارچوب سازمان‌یافته و مدارک معتبر است، ممکن است ارزش کمتری در بازار کار به آن اختصاص داده شود. علاوه بر این، کنترل و نظارت بر محتوای آموزش‌های غیررسمی، به ویژه در شرایطی که از طریق رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد، چالشی بزرگ محسوب می‌شود. محتواهای غیرارزشمند و حتی ضد ارزشی ممکن است به جای ارتقای سطح فرهنگی و علمی جامعه، موجب تضعیف ارزش‌های انسانی شوند. از منظر نظری، آموزش غیررسمی به مدل یادگیری سازنده‌گرایی و پارادایم یادگیری خودپیشبردی نزدیک است. بر اساس این نظریه‌ها، یادگیری باید به گونه‌ای باشد که فرد به صورت فعال و مشارکتی در فرآیند یادگیری شرکت کند و بر اساس نیازها و علاقه‌های خود، دانش و مهارت‌های جدید را کسب کند. همچنین، یادگیری تجربی که در آن فرد از طریق تجربه و تعامل با محیط به یادگیری می‌پردازد، یکی از اصول کلیدی آموزش غیررسمی محسوب می‌شود. آموزش غیررسمی از منظر نظری، بر پایه مدل‌های یادگیری سازنده‌گرایی و پارادایم‌های یادگیری خودپیشبردی بنا شده است. نظریه سازنده‌گرایی معتقد است که یادگیری فرآیندی فعال و مشارکتی است که در آن فرد یادگیرنده با تعامل با محیط پیرامون، دانش و مهارت‌های جدید را کسب می‌کند (Vygotsky, ۱۹۸۷). این نظریه به ویژه در آموزش غیررسمی که یادگیرندگان بیشتر به صورت تجربی و عملی دانش و مهارت کسب می‌کنند، بسیار کارآمد است. از این رو، بسیاری از برنامه‌های آموزش غیررسمی با هدف یادگیری عملی و کاربردی طراحی می‌شوند. همچنین، یادگیری تجربی به عنوان یکی از اصول اساسی در آموزش غیررسمی مطرح است. در این دیدگاه، یادگیری از طریق تجربه و تعامل با محیط صورت می‌گیرد و یادگیرنده از مشاهده، انجام فعالیت‌ها و مشارکت فعال در فرآیند یادگیری بهره‌مند می‌شود. چنین رویکردی به خصوص در آموزش‌های غیررسمی که بر افزایش توانمندی‌های حرفه‌ای و عملی افراد تأکید دارد، به عنوان یک ابزار مؤثر مطرح است (Kolb, ۱۹۸۴). بسیاری از کشورها به منظور تحقق اهداف توسعه‌ای خود به پیاده‌سازی راهبردهای آموزش غیررسمی پرداخته‌اند. سازمان‌های بین‌المللی همچون یونسکو و سازمان بین‌المللی کار<sup>۱</sup> نیز بر اهمیت آموزش غیررسمی به عنوان مکملی برای آموزش رسمی و به عنوان راهکاری برای تقویت اقتصاد و جامعه تأکید کرده‌اند. این نهادها اسناد و گزارش‌های متعددی در این زمینه منتشر کرده‌اند که بر اهمیت تقویت شیوه‌های آموزش غیررسمی و ارزیابی اثربخشی آن‌ها تأکید دارند. تحقیقات صورت‌گرفته توسط<sup>۲</sup> نیز نشان می‌دهد که کشورهای پیشرفته، با سرمایه‌گذاری در آموزش‌های غیررسمی و فراهم آوردن دسترسی آسان به این آموزش‌ها، توانسته‌اند سطح مهارت‌های نیروی کار خود را ارتقاء دهند و به افزایش بهره‌وری اقتصادی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی دست یابند. بر این اساس، آموزش غیررسمی می‌تواند به عنوان یکی از ارکان توسعه پایدار در نظر گرفته شود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۵). آموزش غیررسمی به‌ویژه در کشورهای پیشرفته به عنوان ابزار اصلی یادگیری مادام‌العمر و توسعه نیروی کار به شمار می‌رود. این نوع آموزش با فراهم کردن فرصت‌های یادگیری متنوع و انعطاف‌پذیر برای افراد، به تأمین نیازهای صنعت و افزایش مهارت‌های نیروی کار کمک می‌کند و می‌تواند به رشد اقتصادی کشورها یاری رساند. در همین راستا، تحقیقاتی مانند تحقیق Naghibzadeh (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که آموزش غیررسمی می‌تواند تأثیر بسزایی بر توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی بگذارد. یکی از اهداف اصلی آموزش غیررسمی، تسهیل یادگیری مادام‌العمر است. یادگیری مادام‌العمر به

<sup>۱</sup>ILO<sup>۲</sup>OECD



فرآیندی اشاره دارد که در آن فرد در طول زندگی خود به کسب دانش و مهارت های جدید می پردازد و از این طریق به رشد شخصی، حرفه ای و اجتماعی خود کمک می کند. آموزش غیررسمی به دلیل انعطاف پذیری بالا و دسترسی آسان، بستری مناسب برای یادگیری مادام العمر فراهم می آورد. این امر به ویژه در عصر کنونی که فناوری های دیجیتال و تغییرات سریع اقتصادی نیاز به بازآموزی و ارتقاء مهارت های شغلی را افزایش داده اند، اهمیت بیشتری یافته است (کمیسون اروپا؛ ۲۰۱۸). یونسکو در این زمینه نیز آموزش غیررسمی را به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای تحقق یادگیری مادام العمر در سطح جهانی معرفی کرده است و تأکید دارد که کشورهای مختلف باید به توسعه و حمایت از برنامه های آموزش غیررسمی بپردازند تا بتوانند نیازهای آموزشی افراد را در طول عمرشان تأمین کنند (یونسکو، ۲۰۲۱).

آموزش غیررسمی به دلیل انعطاف پذیری، پویایی و قابلیت سازگاری با نیازهای فردی و اجتماعی، به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای آموزشی در عصر حاضر شناخته می شود. این نوع آموزش، در کنار آموزش رسمی، می تواند به تحقق اهداف توسعه پایدار، ارتقای مهارت های شغلی و اجتماعی، افزایش اشتغال و کاهش نابرابری های آموزشی کمک کند. همچنین، آموزش غیررسمی با تقویت یادگیری مادام العمر، به توسعه فردی و حرفه ای افراد کمک می کند و بستری مناسب برای نوآوری و پیشرفت اقتصادی در جوامع فراهم می آورد. در نتیجه، توجه و حمایت از آموزش غیررسمی، از طریق تدوین سیاست های مناسب و تقویت برنامه های آموزشی، می تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جوامع کمک شایانی نماید. هدف این مطالعه انجام یک مرور سیستماتیک از نظرسنجی های مختلف کشورها از آموزش غیررسمی و گزارش های رسمی بین المللی برای ردیابی تغییرات سیاست در راستای توسعه آموزش غیررسمی، ارزیابی اجرای آن، روندها و چشم انداز توسعه جهانی آن است. این مطالعه آموزش غیررسمی را همانطور که در طبقه بندی استاندارد بین المللی آموزش ارائه شده است در نظر می گیرد. این به معنای گذراندن دوره های کوتاه مدت، سمینارها یا آموزش است. در نتیجه چنین دوره هایی، لزوماً مدرک یا گواهینامه صادر نمی شود. این یک جایگزین برای آموزش رسمی در فرآیند آموزش در طول زندگی است. فرضیه مورد بررسی در این پژوهش که به بررسی آموزش غیررسمی می پردازد، به شرح زیر است: به دلیل پویایی آموزش غیررسمی، گسترش سریع بازار خدمات آموزشی از طریق عوامل جدید، مشارکت کارفرمایان در پیکربندی ارتباطات جدید، توسعه موسسات آموزشی برای مستقل شدن، ویژگی های فرا نهادی آموزش غیررسمی و ارزیابی صلاحیت ها، آموزش غیررسمی بر پایداری اجتماعی - اقتصادی توسعه یک کشور تاثیر مثبت می گذارد. اهمیت این پژوهش در آن است که تجزیه و تحلیل کلی ویژگی ها و عملکرد آموزش غیررسمی در تبیین مواردی چون: مشخص نمودن چارچوب نهادی در راستای تغییر خط مشی یادگیری از طریق آموزش غیررسمی؛ به عنوان وسیله ای برای برآورده کردن تمام نیازهای کارفرمایان و نیازهای خاص اقتصاد کشور، به بهترین شکل کمک می کند و شیوه های آموزش غیررسمی در کسب مهارت ها، دانش و شایستگی های لازم، همچنین ارزیابی مستقل ابزار آموزش غیررسمی در سطح جهانی و ملی را نشان می دهد. سؤالات تحقیق بر جنبه های زیر متمرکز است:

الف. دلیل افزایش توجه به آموزش غیررسمی و لزوم اجرای آن در چارچوب های آموزشی سنتی و آموزش بزرگسالان چیست؟

ب. ویژگی های آموزش غیررسمی در کشورهای مختلف که در سیاست آموزشی ملی منعکس شده و در عمل اجرا می شود چیست؟

پ. چه ابزارها و راه حل های عملی تشخیص نتایج آموزش غیررسمی را تضمین می کند؟

## روش تحقیق

اساس روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی اسناد و مطالعات بین المللی در مورد آموزش غیررسمی است. مرور تحلیلی یک تجربه بین المللی و ملی را در مطالعه و اجرای آموزش غیررسمی نشان می دهد. بدین جهت که ایران پایگاه اطلاعاتی نداشت. انتشار دسترسی باز در پایگاه های داده Scopus، Web of Science، SageOpen و همچنین گزارش های باز و اسناد سیاست گذاری سازمان های مختلف بین المللی بررسی ادبیات را تشکیل می دهد. سه گروه از منابع مورد بررسی قرار می گیرند:

الف. اسناد و گزارش های رسمی سازمان های مختلف بین المللی، گزارش های تحلیلی و اسناد سیاسی، سازمان بین المللی کار، مرکز اروپایی توسعه آموزش حرفه ای.

ب. مقالات و بررسی های پژوهشی، تغییرات در سیاست های توسعه و ویژگی های آموزش غیررسمی را آشکار می سازد. پ. مطالعات تجربی، که پذیرش آموزش غیررسمی و مطالعات موردی را در کشورها و برای گروه های اجتماعی خاص نشان می دهد.

تعداد مقالات ۲۸۰ مقاله پیدا شد که با بررسی چکیده ها ۲۰۰ مقاله غیرمرتبط بود؛ از این تعداد ۴۰ مورد قابل استناد بود که مورد تحلیل و کدگذاری قرار گرفت. چارچوب زمانی برای اسناد سازمان های بین المللی بیست سال، برای تحقیقات تجربی حدود ده سال است. برای پرداختن کامل به این هدف، از اصل دامنه های سازگاری استفاده می شود. این تکنیک روش شناختی چارچوب نظری را گسترش می دهد، در نتیجه می توان طیف گسترده تری از نگرانی ها را در توسعه آموزش غیررسمی پوشش داد و روی مسائل کلیدی تمرکز کرد. همچنین درک عمیق تری از فرایندهای تحول فراهم می کند. در آموزش و پرورش نیز دانش نظری و کاربردی در مورد تاثیر آموزش غیررسمی بر حرفه ای شدن است. ترکیب داده های سه گروه ما را قادر می سازد تا سطوح مختلف تجزیه و تحلیل آن ها را شناسایی کنیم و آن ها را مطابق با مسائل تحقیقاتی برای هر یک از آن ها دسته بندی کنیم.

## یافته ها

با توجه به سوال اول پژوهش: دلیل افزایش توجه به آموزش غیررسمی و لزوم اجرای آن در چارچوب های آموزشی سستی و آموزش بزرگسالان چیست؟ تحلیل یافته ها حاکی از آن است که سیاست جهانی در قبال توسعه آموزش غیررسمی، یکی از بخش های کلیدی برای تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار هر کشوری محسوب می شود (Parziale, Scotti, ۲۰۱۶). سیاست های آموزشی یادگیری مادام العمر و آموزش بزرگسالان از ۲۰ سال پیش شروع به شکل گیری کرد و اکنون با چالش های جدیدی روبه رو شده است. بخش قابل توجهی از کشورها با چالش های اجتماعی - سیاسی بسیار حادی روبرو هستند. گذار به الگوی فناورانه جدید اقتصاد جهانی مبتنی بر دیجیتالی شدن، نیازمند یادگیری چیزهای جدید و

به روزرسانی مداوم مهارت ها و شایستگی های افراد است. برای پرداختن به مهم ترین چالش های قرن بیست و یکم، افزایش انسجام اجتماعی و اقتصادی، دستیابی به رشد شخصی و خودشناسی، سیاست های آموزش غیررسمی و یادگیری مادام العمر باید به هدف اصلی سیاست اجتماعی - اقتصادی هر کشوری تبدیل شود. دو سیاست آموزشی کلیدی یکی یادگیری مادام العمر و دیگری آموزش بزرگسالان هر دو ادغام شده است و بخش معناداری از سیستم آموزشی به عنوان یک کل است. علاقه مجدد به آموزش غیررسمی پیش از هر چیز ناشی از نیازها و چالش های اقتصادی است. بحران های اقتصادی ناشی از تحول فن آوری، همه گیری و غیره باعث تغییر در درک اهداف آموزش بزرگسالان نسبت به منافع اقتصادی آن شده است (Valiente, 2020). بنابراین، باید توجه داشت که تعدادی از محققان به این ایده اشاره می کنند که این ممکن است پیامدهای نگران کننده ای از نظر محدود کردن آزادی عمل و حق انتخاب افراد داشته باشد (Biesta, 2006). محدودیت دیگر مربوط به اروپایی شدن آموزش و انتقال سیاست بین المللی است (Skubic Ermenc, Mikulec, 2016, Barabasz, Bohlenger, 2020) علاوه بر این، فقدان برخی از مهارت های قرن ۲۱، بیشتر در مهارت های نرم و دیجیتال، مانند مهارت های ارتباطی، همکاری، رهبری و کار تیمی، خود مدیریتی، تفکر انتقادی، مهارت های ارائه و پروژه، برنامه نویسی و غیره است. مورد تاکید بسیاری از محققین برجسته شده است (Van Laar, 2017). به طور همزمان، همانطور که به درستی توسط شالا و گرایچفچی اشاره کردند، کیفیت آموزش رو به کاهش است. نویسندگان سه توصیه را مشخص می کنند که منجر به تکمیل «مهارت های قرن ۲۱»، تقویت شایستگی ها و بهبود نتایج آموزشی می شود. آنها عبارتند از: به کارگیری فناوری های جدید در آموزش، افزایش شایستگی های دیجیتال و تطبیق تجربه آموزشی (Shala, Grajcevc, 2016). برای تسلط بر مهارت های مرتبط، رقابتی ماندن و توانایی سازگاری با تغییرات اقتصادی و اجتماعی، نیاز به آموزش فشرده و مداوم، ارائه مسیرهای یادگیری فردی و خودراهبری در محیط های یادگیری باز وجود دارد (Kim, 2019). بنابراین، این توسعه نیاز بیشتر به آموزش غیررسمی را تعیین می کند (Dwirianto, 2014). نیاز فوری به مهارت های مورد نیاز منجر به سرمایه گذاری های رو به رشد در آموزش غیررسمی شده است. داده های آماری در گزارش آموزش بزرگسالان در مورد ۲۸ کشور اروپایی این واقعیت را تأیید می کند که انواع زیر از ارائه دهندگان یادگیری غالب مانند مؤسسات آموزش و پرورش غیررسمی نقش مهمی در ایجاد مهارت مجدد و افزایش مهارت ایفا می کنند. علیرغم برخی انتقادات به برخی از ویژگی های سیاست آموزش هدفمند اروپا، باید گفت که سهم کلی آن در حفظ و توسعه پایدار جوامع در سراسر جهان مثبت تلقی می شود. در اجرای مداوم این سیاست (آموزش غیررسمی) جایگاه پیشرو را به خود اختصاص داده است و در حال حاضر نقش مهمی در برنامه های یادگیری مادام العمر و آموزش بزرگسالان ایفا می کند. اهمیت آموزش بزرگسالان به طور کلی و آموزش غیررسمی به طور خاص در سازمان مورد تاکید قرار گرفته است. علاوه بر این، آموزش غیررسمی اغلب از طریق نظریه سرمایه انسانی به عنوان یک سند رسمی برای آموزش بزرگسالان و یک راهبرد توسعه اقتصادی در نظر گرفته می شود. ناپراین، سازمان بین المللی کار بر ظرفیت اجتماعی خود برای افزایش آموزش جوانان، آموزش همگانی و سیاست های اشتغال زایی به منظور کاهش نابرابری های اجتماعی - اقتصادی و ایجاد توسعه اقتصادی تاکید می کند. سازگاری با نیازهای مختلف اجتماعی - اقتصادی منجر به رشد بازار خدمات آموزش غیررسمی و افزایش سرمایه گذاری ها از سوی کارفرمایان و شرکت کنندگان و

همچنین گسترش دامنه ارائه دهندگان (موسسات آموزش و پرورش غیر رسمی) شده است. همچنین آموزش غیررسمی حل تعدادی از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و شخصی را ممکن می سازد و دموکراسی، شهروندی، شمول اجتماعی، برابری و عدالت را ترویج می کند. علاوه بر این، کسب مهارت های مورد نیاز در بستر اقتصاد دیجیتال را فراهم می کند و به رفع مشکل بیکاری کمک می کند. چنین سیاست هدفمند در آموزش بزرگسالان باعث نهادینه شدن آموزش غیررسمی شده است. به عبارت دیگر، تدوین هنجارها، قوانین و رویه ها برای شناخت نتایج آموزش غیررسمی اکنون در حال ظهور است. شیوه های فردی یک نهاد اجتماعی پایدار را شکل می دهد.

با توجه به سوال دوم پژوهش: ویژگی های آموزش غیررسمی در کشورهای مختلف که در سیاست آموزشی ملی منعکس شده و در عمل اجرا می شود چیست؟ تحلیل یافته ها حاکی از آن است که شیوه های ملی آموزش غیررسمی وقتی در کنار سیاست های رایج آموزش اروپایی، یادگیری مادام العمر و آموزش بزرگسالان مشاهده شد، همه کشورها به دنبال راه هایی برای اجرا و گسترش بخش آموزش غیررسمی بودند. راه های اتخاذ شیوه های آموزش غیررسمی برای توسعه ملی اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی هم در گزارش های آماری و هم در تحقیقات تجربی فردی در رابطه با تجربه منحصر به فرد کشورها و مناطق خاص معرفی شده است. هنگام بررسی کلی تحقیقات انگلستان در مورد آموزش غیررسمی، ما روندهای جدید زیر را مشخص کردیم. برنامه های آموزشی در محل کار با تغییر از انتقال مستقیم دانش به مفهوم سازی مجدد دانش موثرتر شده اند (Taylor, Evans, ۲۰۱۴). هنگام انجام مطالعه بین کشوری که کارگران بریتانیا و کانادا را هدف قرار می دهد، نویسندگان شرایط و عوامل کلیدی برای مهارت مجدد موفق کارمندان با مهارت های بالاتر و افزایش مهارت کارمندان با مهارت های پایین را شناسایی کردند (Taylor, Evans, ۲۰۲۲). ثانیاً، در بریتانیا، آموزش غیررسمی اغلب به عنوان یک وسیله کلیدی برای ترویج شهروندی مشارکتی فعال و برنامه های شمول اجتماعی، برای اطمینان از انسجام اجتماعی، اتحاد، همبستگی، ادغام اجتماعی - اقتصادی گروه های مختلف هدف مانند مهاجران، پناهندگان، جوانان بی کار، و جوانان در یک محیط نامطلوب در نظر گرفته می شود. علاوه بر این، یافته های چهار برنامه برای آموزش بزرگسالان نشان داده اند که به طیف گسترده ای از چالش های اجتماعی پاسخ می دهند، برای مثال، ارائه مهارت های اشتغال، تقویت همکاری و اتحاد در یک جامعه مدنی، درک انسجام اجتماعی و شهروندی، توانمندسازی جوامع و شهروندان (Kersh, Laczik, ۲۰۲۱). در نهایت، تاثیر دولت و هزینه های عمومی در آموزش بزرگسالان کاهش می یابد. در نتیجه، مسئولیت شخصی برای توسعه مهارت ها و قابلیت اشتغال در چارچوب یک زندگی کاری طولانی تر در حال افزایش است.

این روند در کشورهای دیگر هم دیده می شود، برای مثال در کانادا، شکاف رو به رشد مهارت ها به طور مشترک با تغییرات ذکر شده در بازار کار، فرد را تشویق می کند تا این شکاف را با کسب مهارت های از دست رفته از طریق آموزش غیررسمی پر کند. همین امر را می توان برای جمهوری چک نیز بیان کرد که در آن فردگرایی سطح بسیار بالایی دارد که عمدتاً وابسته به نیاز به ادغام موفقیت آمیز در بازار کار است (Kalenda, Kočvarová, ۲۰۲۰).

با توجه به سوال سوم پژوهش: چه ابزارها و راه حل های عملی تشخیص نتایج آموزش غیررسمی را تضمین می کند؟ تحلیل یافته ها حاکی از آن است که از یک سو، انتشار منابع مالی عمومی قابل توجه را ترویج می کند و از سوی دیگر، مردم را برای توسعه مسیرهای یادگیری خود بیدار می کند. مسئولیت فردی برای انتخاب های آموزشی بیشتر، تقاضا برای دانش، مشارکت تجربه موجود، انگیزه درونی به سنگ بنای رویکرد علمی به آموزش بزرگسالان تبدیل شده است (Knowles, ۲۰۲۰). در

حین اجرا این دستورالعمل ها، زیرساخت های آموزش غیررسمی را در ایالات متحده شکل می دادند. امروزه، این بخش از بازار به خوبی توسعه یافته است. دوره های آنلاین رایگان توسط دانشگاه های پیشرو و پلتفرم های بین المللی معرفی شده اند - دوره هایی مانند Coursera، EdX، Udacity، دوره های دانشگاه Carnegie Mellon، دوره های MIT، OpenCourseWare، موسسه فن آوری ماساچوست و .... شایان ذکر است که سازمان های تجاری نقش مهمی در این ساختار، توسعه و اجرای برنامه های وابسته ایفا می کنند. این در الگوی آموزش غیررسمی آمریکا منحصر به فرد است. آلمان همچنین درجه بالایی از نهادینه سازی آموزش غیررسمی را نشان می دهد سنت آموزش بزرگسالان ریشه ای عمیق دارد. بیش از صد سال است که دانشگاه های ملی وجود دارند که در اتحادیه دانشگاه های ملی آلمان متحد هستند و بیش از ۹۰۰ موسسه دارند. آن ها جایگاه قانونی دارند و هزینه های عمومی بیش از ۴۰ درصد بودجه دانشگاه را تشکیل می دهند. مقامات محلی مسئولیت مالی اجرای این برنامه ها را بر عهده گرفته اند. این الگوی آموزش غیررسمی به آن ها اجازه می دهد تا تعداد زیادی از دانشجویان را جذب کنند و مطالب را به روز کنند. علاوه بر این، هماهنگی سازی دوره های روابط اجتماعی و انسجام و همچنین برنامه های فرهنگی و مذهبی را فراهم می کند (Fobel, Kolleck, ۲۰۲۲؛ Schweitzer, ۲۰۱۷).

موفقیت آموزش غیررسمی منجر به تحقیقات مختلفی با هدف ادغام آن با آموزش رسمی شده است. به عنوان مثال، پتانسیل آن برای آموزش (Garner, Hayes, ۲۰۱۴؛ Terrazas, ۲۰۱۸) و علوم انسانی (Soyyilmaz, ۲۰۱۷) شناسایی شده است. به غیر از تک تک کشورها، مطالعاتی در مورد تمام کشورهای اتحادیه اروپا انجام می شود. نویسندگان تحلیل اقتصاد سنجی را با استفاده از مدل های رگرسیون توییت انجام دادند. این مطالعه از داده های ثانویه از پایگاه داده Eurostat و ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا را پوشش می دهد. این نشان دهنده تاثیر آموزش غیررسمی بر سرمایه انسانی و ارتباط مستقیم بین نوع آموزش و سطح توسعه نوآوری ایالت ها است (Denkowska, ۲۰۲۰). داده های جالبی از تجزیه و تحلیل ۲۰ کشور به دست آمد که شدت آموزش غیررسمی را در محیط های کاری نشان می داد. مشخص شده است که کارگران موقت تمایل بیشتری به سرمایه گذاری در آموزش غیررسمی دارند که عمدتاً به دلیل انتظارات اولیه شغلی آن ها برای به دست آوردن یک قرارداد دائمی است. شدت آموزش غیررسمی جایگزین آموزش رسمی نمی شود؛ اما کارمندان به طور قابل توجهی شایستگی های لازم را از طریق آموزش غیررسمی افزایش می دهند. بنابراین، آموزش غیررسمی در محل کار همزمانی توسعه شایستگی ها و استفاده از آن ها در اقتصاد یک نظم تکنولوژیکی جدید را تضمین می کند. سهم آموزش غیررسمی در کشورهای در حال توسعه نیز معنادار است، در حالی که فعالیت های آن اهداف دیگری را دنبال کرده است. در منطقه اقیانوس آرام، آموزش غیررسمی به عنوان "مفهومی قدیمی با نامی جدید" ظاهر می شود و در سه چشم انداز - ساختار، سیستم و محیط دیده می شود. به گفته ای کیدر آیت، مردم معمولاً به آن نه تنها به عنوان فرصتی برای کسب مهارت های مورد نیاز، بلکه به عنوان جایگزینی ارزان تر برای آموزش رسمی نگاه می کنند. در این زمینه، بسیاری از برنامه ها موفق نبودند، زیرا والدین از این مفهوم حمایت نمی کردند و آن را "کلاس دوم" برای جریان آموزشی ملی می دانستند (Kedrayate, ۲۰۲۲) علاوه بر این، این واقعیت نیز اثبات می شود که در کشورهای کم تر صنعتی برنامه های آموزش غیررسمی در اصل به منظور کاهش بی سوادی و فقر در میان مردم و همچنین پاسخ به چالش های بازسازی اقتصادی و نیازهای جوامع محلی مورد استفاده قرار گرفت. برای مثال، هنوز برای تعدادی از کشورهای آفریقایی و اندونزی (Fakhrudin, Shofwan, ۲۰۲۲؛ Ololube, Egbezor, ۲۰۲۲)

مرتبط است. با تجزیه و تحلیل داده ها در کشورهای مختلف، به این نتیجه رسیده ایم که سیاست آموزش مشترک را نمی توان صرفاً در سیاست های ملی کپی کرد. مرحله توسعه اجتماعی - اقتصادی، زمینه های فرهنگی و تاریخی لحن اولویت های خاص کشور را در آموزش غیررسمی تعیین می کند. به عبارت دیگر، یعنی همواره موضوع اصلاح در چارچوب توسعه ملی مطرح بوده است. بنابراین، در کشورهای بسیار صنعتی آموزش غیررسمی ویژگی های نهادی را در نظر می گیرد زیرا اجازه ارتقا صلاحیت اجتماعی و حرفه ای و اطمینان از شمول اجتماعی و تحرک شغلی را می دهد. در عین حال، مسئولیت پذیری را در مسائل مربوط به دموکراسی، برابری و عدالت ترویج می کند. لازم به ذکر است که روابط مثبتی بین آموزش غیررسمی و قابلیت بکارگیری وجود دارد. به علاوه، نوآوری ها به سرعت در حال توسعه هستند و رقابت پذیری نیز در حال افزایش است. همه این ها گذار به یک الگوی تکنولوژیکی جدید و اقتصاد دیجیتال را تسهیل می کند. در کشورهای کم تر توسعه یافته اقتصادی سطح عمومی سواد، خلاهای موجود در آموزش رسمی را پر می کند، نابرابری و محرومیت اجتماعی را برطرف می کند و در نهایت، امکان تسلط بر مهارت های اساسی لازم را فراهم می آورد. با تمام این اوصاف، واضح است که در تعدادی از کشورها آموزش غیر رسمی به صورت یکپارچه در سبک زندگی مردم ادغام شده و ساختاری توسعه یافته دارد. این امر نشان دهنده نهادینه شدن بالای آن است، در حالی که در سایر موارد نهادینه سازی در حال انجام است. علی رغم تمام ویژگی های ذکر شده در بالا، فرایندهای توسعه آموزش غیر رسمی وجوه دیگری نیز دارد. اول از همه، تعداد ارائه دهندگان، موسسات و سرمایه گذاری های سهامداران در حال افزایش است. سپس، دامنه برنامه های آموزشی و محتوای آن ها در حال گسترش است. سپس، فرمت آن ها به دلیل استفاده از فن آوری های مدرن آموزش - یادگیری در حال تغییر است. در نهایت، و مهم تر از همه برای این تحقیق، تقریباً در همه کشورها نیاز مبرمی به تشخیص نتایج آموزش غیر رسمی وجود دارد. این موضوع با جزئیات بیشتری بیان خواهد شد. اعتبار سنتی و شناخت پیامدهای آموزش غیر رسمی برای شروع، ضرورت شناخت آموزش غیر رسمی در سطح جهانی برجسته شده است. بسیاری از سازمان های بین المللی ابتکارات و ابزارهای عملی را برای ارزیابی نتایج آموزش غیر رسمی برای مدت طولانی معرفی کرده اند. اهمیت به رسمیت شناختن نتایج آموزش غیر رسمی به طور گسترده ای در پایان قرن بیستم مورد بحث قرار گرفت. آن دسته از کشورهایی که شروع به پیاده سازی روش های اعتبارسنجی و گواهی آموزش غیر رسمی در سیاست آموزش ملی خود کرده اند، تاکنون تجربه زیادی در این زمینه کسب کرده اند. فرانسه می تواند مثال خوبی باشد. از سال ۱۹۸۵، سیستم تعادل بین شایستگی ها به منظور حمایت از کارمندان و کارفرمایان در ارزیابی شایستگی ها و پذیرش مهارت ها در شرکت ها معرفی شده است. از سال ۱۹۹۰، گواهی استعداد حرفه ای، اجازه ارزیابی مدارک خارج از موسسات رسمی را می دهد. علاوه بر این، اتاق بازرگانی و صنعت، ابتکاری را در مورد ارزیابی مستقل مهارت ها و شایستگی های پرسنل بر اساس هنجار اروپایی انجام داده است. تا به امروز، یک سیستم شناسایی توسعه یافته مهارت ها و شایستگی ها در فرانسه مبتنی بر «اعتبار تجربیات عملی» وجود دارد. متقاضی می تواند مهارت های حرفه ای دریافت شده در طول زندگی یا تجارب کاری و آموزش در زمینه های مختلف را تایید کند یا مهارت های آماده به کار را در زمینه های پر تقاضا بیاموزد. این سیستم به همه اجازه می دهد تا ۱۳۰۰ نوع صلاحیت و مهارت تایید شده دریافت کنند که در چارچوب صلاحیت های ملی ثبت شده اند. این سیستم تقاضای زیادی دارد، به خصوص در میان

کارگرانی که مهارت های پایینی دارند (Bjornavald, ۲۰۲۲) همچنین منبعی در فرانسه به نام حساب آموزش شخصی بیان می دارد؛ این کار فرصتی برای انتخاب و تشکیل یک مسیر یادگیری فردی می دهد. بنابراین به طور کلی می توان فرانسه را به عنوان کشوری که نتایج آموزش غررسمی پذیراست در نظر داشته باشیم. این سیستم همچنین در میان کشورهای اروپایی مانند اتریش، انگلستان، آلمان، هلند و غیره به خوبی پایه گذاری شده و به رسمیت شناخته شده است. هدف این سیستم تجزیه و تحلیل تغییرات قابل توجه در تقاضا برای آموزش و توانایی اجرای آن ها در شیوه های آموزشی موجود با سرعت بالا است. علاوه بر این، تاکید بر مهارت مجدد، افزایش مهارت و به دست آوردن شایستگی های با تقاضای بالا یا خاص است. گاهی اوقات به این دلیل مورد انتقاد قرار می گیرد که به اجزای خاصی متکی است، درجات پراکنده و نامنسجمی را فراهم می کند و با فقدان یک توالی خاص در یادگیری مشخص می شود. با این وجود، به دلیل جدا بودن یادگیرندگان می توانند مدارک و مسیرهای یادگیری خود را براساس انتظارات و اهداف شغلی خود تنظیم کنند. تصور می شود که تلفیق آموزش رسمی و غیررسمی یک تغییر قابل توجه در آموزش عالی محسوب می شود که به افزایش اعتبار آموزش غیررسمی کمک کرده است و به کارفرمایان اجازه می دهد بدانند که اعتبارنامه های فردی در مورد چه چیزی هستند (Souto-Otero, ۲۰۲۲). یو پی اس را می توان به عنوان ابزاری برای تشخیص آموزش غیررسمی در نظر گرفت. این برنامه یک شناخت بین المللی از یادگیری غیر رسمی در پروژه های جوانان فراهم می کند و به جوانان اجازه می دهد تا تجربه کسب کنند و در پروژه های خدمات داوطلبانه فعال شرکت کنند. این تجربه در زمان استخدام حساب می شود. هدف این برنامه افزایش شناخت فرآیند یادگیری و نتایج یادگیری است: شایستگی های ایجاد شده از طریق کار جوانان. در ایالات متحده آمریکا، به رسمیت شناختن آموزش غیررسمی بیشتر در دانشگاه ها صورت می گیرد. سهامداران اصلی عبارتند از شورای آموزش آمریکا<sup>۱</sup>، شورای آموزش بزرگسالان و تجربی<sup>۲</sup>، کارفرمایان و کمیسیون های اعتباربخشی محلی. سیاست شناخت مهارت ها عمدتاً کارگران بی کار، نیمه وقت و فراگیران بزرگ سال را هدف قرار می دهد که تحصیلات متوسطه را به پایان نرسانده اند. روش استاندارد برای ارزیابی آموزش غیررسمی شامل آزمایش، که نشان دهنده سطح دانش آکادمیک متقاضی، قابل مقایسه با یک برنامه چهار ساله آموزش عالی می باشد. متقاضیان بالای ۳۰ سال نیز می توانند از سیستم استانداردهای مهارت آموزش بزرگسالان و کمیسیون آموزش تجربی استفاده کنند. در کانادا تشخیص آموزش غیررسمی براساس روش ارزیابی و شناخت یادگیری پایور<sup>۳</sup> است. این روش مهارت ها را برای گروه های اجتماعی مختلف، کارگران مسن تر، مهاجران و گروه های حاشیه نشین تأیید می کند. مرور دقیق تحقیقات مختلف نشان داده است که بسیاری از کشورها سیستم های تشخیص آموزش غیررسمی منحصر به فرد خود را توسعه داده و پیاده سازی کرده اند که ارتباط نزدیکی با ویژگی های ملی، اقتصادی و فرهنگی دارد. در عین حال، برخی گرایش های عمومی در همه کشورها نمود پیدا می کند. آن ها عبارتند از: نیاز به توسعه

<sup>۱</sup>ACE<sup>۲</sup>CAEL<sup>۳</sup>PLAR

یک روش شناسی و روش های ارزیابی با کیفیت بالا، برای اطمینان از شفافیت، در دسترس بودن و قابلیت اطمینان برای جویندگان کار و کارفرمایان، تعهد و تعامل بخش سوم اقتصاد در فرآیند اعتبارسنجی، برای پر کردن شکاف بین تقاضای بازار کار و مهارت کارگران .

جدول ۱: مسائل کلیدی و موضوعات روند توسعه آموزش غیررسمی در سطوح مختلف

سطح تجزیه و تحلیل	موضوعات کلیدی	موضوعات پرتفردار
سطح جهانی	(۱) تغییر الگوی آموزشی؛ (۲) سیاست سازمان های بین المللی در قبال توسعه آموزش غیررسمی؛ (۳) سیاست آموزش دولتی / ملی.	(۱) تغییر از آموزش برای حرفه به آموزش برای فرد به نفع توسعه اجتماعی پایدار. (۲) کالایی کردن و اروپایی شدن آموزش. (۳) نیاز اقتصادی معین به مشاغل و مهارت های معین. (۴) شمول اجتماعی، تأثیر بر دموکراسی و انتخاب. (۵) بررسی الگوهای یادگیری خودراهبری بزرگسالان در آموزش غیررسمی و ظهور بازار جهانی برای منابع آموزشی باز و آنلاین. (۶) بخش آموزش غیررسمی و مؤسسات آموزشی افزایش می یابد.
سطح نهادی	انطباق سیاست های آموزشی بین المللی با زمینه های ملی؛ تجربه ملی و جزئیات مربوط به نتایج آموزش غیررسمی، ارزیابی مهارت ها، مطالعات موردی موفق و برنامه ها.	(۱) تحلیل برنامه های موفق برای گروه های هدف (جوانان، سالمندان، بیکاران، مهاجران)؛ (۲) یکپارچه سازی آموزش رسمی و مفاهیم شهروندی مشارکتی فعال؛ (۳) افزایش نقش بخش سوم اقتصاد در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی؛ (۴) پیکربندی تعامل خاص و ارزیابی سرمایه گذاری سهامداران اصلی در آموزش غیررسمی؛ (۵) اثر اجتماعی آموزش غیررسمی توسط مرحله توسعه اقتصادی و بلوغ تکنولوژیکی یک کشور تعیین می شود؛ (۶) توسعه سیستم های ملی برای تشخیص نتایج



آموزش غیررسمی و ارزیابی نتایج و ادغام آموزش غیررسمی در آموزش رسمی.		
(۱) فرصت انتخاب، ساخت مسیرهای یادگیری فردی و مدیریت شخصی؛ (۲) تجربه شخصی و شناخت خرد؛ (۳) مطالعه موردی شیوه های موفق و تکنولوژی های یادگیری؛ (۴) عوامل شکل دهنده نگرش مثبت و منفی نسبت به آموزش غیررسمی نمایندگان گروه های اجتماعی مختلف (مهاجران، پناهندگان، سالمندان، بیکاران)؛ (۵) استفاده از اصول تعلیم و تربیت و اندرزگویی برای یادگیری سازنده.	(۱) انگیزه برای توسعه خود، یادگیری مادام العمر و دسترسی به آموزش غیررسمی؛ (۲) تمرکز مجدد بر مسیرهای یادگیری فردی، مشارکت حرفه ای و اجتماعی.	سطح شخصی

## بحث و نتیجه گیری

فیلسوف چینی Confucius Hong Tzu می گوید: «یادگیری تا مرگ ادامه دارد و فقط آن زمان متوقف می شود ... یادگیری یعنی انسان بودن، و دست کشیدن از یادگیری یعنی تبدیل شدن به یک حیوان». به گفته او، آموزش و تربیت برای رشد انسان اهمیت زیادی دارد. آموزش را می توان به عنوان آماده سازی نسل جوان برای زندگی در جامعه تعریف کرد، به این معنی که آنچه جامعه از قبل انباشته کرده است، به نسل جوان منتقل می شود. علاوه بر این، دانش برای حل مسائلی که نسل های قبلی با آن روبه رو نبوده اند، ضروری است، زیرا همانطور که Marcel Proust، روشنفکر فرانسوی می گوید: «کشف واقعی به معنی جستجو برای کشورهای جدید نیست، بلکه به معنی به دست آوردن دیدگاه های جدید است» (Marcel Proust، ۱۹۲۲).

آموزش می تواند رسمی، غیررسمی و پنهان باشد. آموزش رسمی معمولاً به سیستم مؤسسات آموزشی رسمی و دریافت مدرک آموزشی نهایی مرتبط است. آموزش غیررسمی شامل آموزش های حرفه ای مستمر، آموزش عمومی غیررسمی و برنامه های مختلف فرهنگی و آموزشی دیگر است. در پایان این آموزش ها، آموزش دیده های موفق گواهینامه ها و مدارک مربوطه را دریافت می کنند. آموزش پنهان در تمام طول زندگی فرد ادامه دارد. تحقیقات نشان می دهد که سطح توسعه و تمایز یادگیری غیررسمی و پنهان به طور مستقیم با سطح توسعه جامعه ارتباط دارد (Boykov، ۲۰۱۹: ۷۲). سوالات تحقیقاتی مطرح شده در این مقاله ما را به موارد زیر سوق داده است. پیش از هر چیز، با تجزیه و تحلیل و جمع بندی نتایج تحقیقات آموزش غیررسمی در اسناد سازمان های بین المللی و مقالات علمی در سطوح مختلف اجرای آن، می توانیم نتیجه بگیریم که چالش های اقتصادی و اجتماعی منجر به رشد قابل توجه آن به عنوان ترکیب جدایی ناپذیر یادگیری مادام العمر و آموزش بزرگسالان شده است. تاکید ویژه بر آموزش غیررسمی و همچنین ضرورت اجرای آن در چارچوب های آموزشی سنتی و آموزش بزرگسالان به دلیل این واقعیت است که آموزش غیررسمی تاثیر مستقیمی بر مدیریت شایستگی ها و توسعه سرمایه

انسانی دارد. در نهایت، پایداری در تمام حوزه های زندگی از مسائل جهانی (مهاجرت موفق، شمول اجتماعی و غیره) تا توسعه خود و تشویق مسئولیت شخصی برای یادگیری بیشتر را تضمین می کند. نتایج یک سیاست آموزش غیررسمی هدفمند اثرات مثبت اجتماعی - اقتصادی زیر را نشان می دهد: کاهش نرخ بیکاری، ارتباط بین اشتغال و یادگیری، پر کردن شکاف های کیفی در بازار کار، سازگاری و ادغام موثر مهاجران، افزایش شمول اجتماعی، اعتماد به نهادهای اجتماعی و شهروندی فعال. بازار خدمات آموزشی به طور قابل توجهی گسترش یافته است، عمدتاً به دلیل ارائه دهندگان آموزش غیررسمی، دوره های آنلاین گسترده باز، منابع آموزشی باز، به عنوان یکی دیگر از مزایای چنین سیاستی است. روند رو به رشدی به سمت توسعه اکوسیستم های آموزشی وجود دارد. آموزش غیررسمی در جریان اصلی ادغام می شود و منافع ذینفعان مختلف (دولت ها، کارفرمایان، بخش غیر انتفاعی، دانشجویان) در آنجا در نظر گرفته می شود.

دومین یافته مهم مربوط به ویژگی های آموزش غیررسمی در کشورهای مختلف است که در سیاست آموزش ملی منعکس شده است. تحقیقات تجربی و مطالعات موردی مبتنی بر داده ها در کشورهای مختلف، تجربه ای کاملاً منحصر به فرد از اجرای سیاست آموزش جهانی در زمینه های ملی را نشان می دهد و اثرات مختلف اجتماعی - اقتصادی از حذف بی سواد و آموزش مهارت های پایه تا توسعه پیشرفته سرزمین ها را نشان می دهد. مشخص شده است که ویژگی ملی اجرای شیوه های آموزش غیررسمی به سطح توسعه اجتماعی و فن آوری یک کشور بستگی دارد. در عین حال، همه کشورها از پتانسیل منابع آموزش غیررسمی آگاه هستند و به سمت استفاده حداکثری از آن حرکت می کنند. به طور کلی، این امر توسعه سرمایه انسانی و در نتیجه، تغییر به یک جامعه دانش فنی بالا را فراهم می کند. موسسات و انجمن های بین المللی و ملی در اجرای سیاست های آموزش غیررسمی؛ فعال هستند عبارتند از؛ سازمان هم کاری و توسعه اقتصادی<sup>۹</sup>؛ و موسسه زبان انگلیسی آکادمیک کانادا<sup>۱۰</sup> اهمیت حیاتی دارند. آن ها نه تنها دستورالعمل های استراتژیک برای سیاست های آموزشی را تعیین می کنند، بلکه نظارت منظمی بر ارزیابی مهارت های بزرگسالان انجام می دهند. لازم به تاکید است که این روش شناسی به ما اجازه می دهد تا تاثیر آموزش رسمی، غیر رسمی را بر سطح شایستگی های بزرگسالان تخمین بزنیم. این امر امکان مقایسه داده ها در سطح بین المللی و اجرای سیاست های مبتنی بر شواهد را فراهم می کند.

یافته سوم به ابزارها و راه حل های عملی اختصاص دارد که شناخت نتایج آموزش غیررسمی را تضمین می کند. این سوال به طور فزاینده ای در گفتمان مشترک آموزش و بازار کار مورد بحث قرار می گیرد. مکانیزم های روش شناختی و سازمانی هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی برای تایید و تشخیص نتایج آموزش غیررسمی در حال توسعه هستند. در دسترس بودن و کارایی این روش ها مانند روش های صدور گواهی و اعتبارسنجی که با چارچوب های صلاحیت های ملی درهم تنیده شده اند، به نوبه خود منجر به اثربخشی آن می شود. در این راستا، بهبود بیشتر روش های اعتبارسنجی و شناسایی آموزش غیررسمی باید صورت گیرد. گرایشی به سوی یک رویکرد واحد برای آن در یک سیستم ارزیابی صلاحیت های مستقل وجود دارد. به رسمیت شناختن نتایج آموزش غیررسمی یک فرآیند چند بعدی و پیچیده است، که هم نیاز به تغییر در خود قانون گذاری و هم نوع شناسی جدیدی از گواهی ها و دیپلم ها دارد، که تمام اشکال آموزش و همچنین تجربه حرفه ای

<sup>۹</sup>OECD<sup>۱۰</sup>CAEL

را پوشش می دهد. علی رغم پیچیدگی و هزینه ارائه این فرآیند، بدون شک به نفع همه ذینفعان خواهد بود: دولت، تجارت، سازمان های آموزشی، و دیگران. تمام یافته ها در جدول زیر نشان داده شده است.

این یافته ها چندین شکاف مهم را آشکار می کند:

۱. از یک سو، تمرکز بر آموزش برای رشد فردی و خودکفا بودن به جای دستیابی های حرفه ای توسط تعدادی از محققان برجسته شده است. از سوی دیگر، منطق بازار همچنان حاکم است. از جمله اهداف ذینفعان آموزشی و سیاست آموزش و پرورش در تامین کلی نیازهای شغلی فردا در زمینه مهارت های اقتصاد است. از سویی نظم فناورانه جدید، پر کردن شکاف بین عرضه و تقاضا، و تضمین انطباق سریع با الزامات جدید، چالش های اقتصادی و اجتماعی حاکم است. مسائل مربوط به رشد شخصیت و امکانات افراد برای عاملیت در گفتمان علمی و سیاسی ضعیف بیان شده و راه حل های عملی قابل اعتماد ضعیفی پشتیبانی می شود.

۲. در کنار روندهای جهانی در توسعه آموزش غیررسمی، کشورهایی هستند که تحقیقات مجزا و بی اثر و مطالعات موردی درباره اجرای آموزش غیررسمی انجام می دهند. می توان فرض کرد که سکون نهادی خود بخش آموزش، فقدان یک مفهوم روشن از فرآیند ادغام آموزش غیررسمی، و عدم وجود ذینفعان فعال باعث چنین پراکندگی می شود. برای پرداختن کامل به این موضوع، ما نیاز به بررسی دقیق و درک مقوله نمایندگی (موقعیت فعال) و همچنین تاثیر آن بر حفظ و بهبود محیط های یادگیری در تعامل با نهادهای خارجی داریم. این سوال پیش می آید که چگونه می توان جایگاه فعال زبان آموزان، کسب و کارها، موسسات آموزشی، کارفرمایان را به منظور تسریع روند تحول آموزش و پرورش شکل داد؟

۳. علی رغم این واقعیت که مهارت های کسب شده در آموزش غیررسمی امروزه از اهمیت حیاتی برخوردار هستند، هیچ رویکرد واحدی برای ارزیابی و تشخیص نتایج آن وجود ندارد، که اغلب بحث را پیش می برد. فقط تعداد کمی از کشورها، معمولاً از نظر فناوری بسیار توسعه یافته، الگوها و ابزارهای پایداری برای شناخت مهارت های آموزش غیررسمی را دارند. بیشتر کشورها انفعال یا تلاش های جزئی برای ایجاد یک سیستم یکپارچه ارزیابی صلاحیت های مستقل را نشان می دهند. بنابراین، یافته ها تا حد زیادی درک سیاست آموزش بین المللی و نقش ساختارهای متخصص در آن را افزایش می دهد، و همچنین منجر به این سوال می شود: "دلیل یکپارچگی و نهادینه سازی پایین آموزش غیررسمی در بخش های اجتماعی و کاری، عدم تطابق داخلی سیاست یادگیری مادام العمر به عنوان یک کل چیست؟"

روش شناسی حوزه های سازگاری در تحلیل روندهای غیررسمی درک عمیق تری از فرآیند توسعه موسسات آموزش غیررسمی فراهم می کند. بررسی تحلیلی نشان می دهد که آموزش غیررسمی نه تنها به عنوان موسسه ای که عملکردهای اجتماعی خاصی را انجام می دهد، بلکه به عنوان موسسه ای که در حال توسعه مداوم است، بیان می شود. در طول این تکامل، از یک سو، تغییراتی در عملکرد های آموزش غیررسمی به طور کلی و هم به طور خاص در عناصر آن وجود دارد.

از سوی دیگر، در طول توسعه تاریخی، اجتماعی - اقتصادی و تکنولوژیکی یک جامعه، مفهوم این کارکردها تغییر می کند. بنابراین، آموزش غیررسمی ویژگی های نه تنها یک نهاد اجتماعی، بلکه در برخی کشورها یک فرا نهاد را به دست می آورد. این سازمان نهادهای مختلف را براساس منافع و ارتباطات مشترک از جمله یک سیستم ارزیابی صلاحیت های مستقل متحد می کند. شیوه های فردی در حال شکل گیری الگوهای پایدار، یک سیستم از هنجارها، قوانین و رویه ها، از جمله روش ها و

ابزارهای تشخیص نتایج آموزش غیررسمی هستند. در کشورهای بسیار توسعه یافته این فرآیند سریع تر است و همزمانی در تقاضا و عرضه صلاحیت ها را تضمین می کند. در میان نتایج به دست آمده، باید توجه ویژه ای به تغییر هدف گذاری در سیاست آموزش غیررسمی، گسترش بخش آموزش غیررسمی و ظهور بازیگران جدید، ذینفعان فعال، از جمله کارفرمایان و موسسات آموزشی شود. تفسیر نتایج، در ساخت دو مفهوم در آموزش غیررسمی به ما یاری می رساند، مفهوم سازی توسعه محور آن (برای توسعه شخصی در طول زندگی) و مفهوم سازی اقتصادی (برای مدیریت شایستگی ها در سیاست اقتصادی منطقه ای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۱</sup> و اتحادیه اروپا) نشان می دهد. داده ها ثابت می کنند که تقریباً در همه کشورها آموزش غیررسمی به پایداری مثبت اجتماعی و اقتصادی کمک می کند. در کشورهای در حال توسعه، آموزش غیررسمی، آموزش را برای گروه های حاشیه ای جمعیت فراهم می کند، در حالی که در کشورهای بسیار توسعه یافته آموزش پیشرفته را برای پاسخگویی به نیازهای بازار کار در حال تغییر، از جمله فرا حرفه ای گرایی و تخصص صنعتی هوشمند از طریق یادگیری خرد، ممکن می سازد. در این زمینه، آموزش غیررسمی بزرگسالان در حال تبدیل شدن به یک پیش نیاز ضروری برای سازگاری موفق با چالش های جدید، تغییرات سریع اجتماعی - اقتصادی و تکنولوژیکی است. دانش و به روز رسانی مستمر آن در حال تبدیل شدن به "محور" است که در اطراف آن فناوری های جدید، نوآوری ها، رشد اقتصادی، قابلیت اشتغال، دموکراسی، شمول اجتماعی، شهروندی فعال و ... در حال چرخش و توسعه هستند. ارتباط داخلی آموزش غیررسمی با نیازهای جهان در حال تغییر فرصت های بیشتری را برای مطالعات عمیق در مورد مسائل فعلی آموزش غیررسمی و توسعه بیشتر آن فراهم می کند. چشم انداز مطالعات آموزش غیررسمی بیشتر براساس موضوعات در حال تغییر با مسائل زیر مرتبط است:

۱. تداوم فرصت های آموزشی در سطوح جهانی و ملی؛ مسیرهای مختلف توسعه برای سیاست فرصت های "دوم"؛ بازاندیشی الگوهای آموزشی و اجتماعی کنونی برای تضمین عدالت و برابری اجتماعی؛ حفظ مولفه های فردی و دموکراتیک در اقتصاد یادگیرنده؛
۲. مطالعه تجربه بین المللی و کاربرد آن در زمینه های مختلف، به ویژه شیوه های کشورهای با درآمد بالا و مطالعات موردی؛ ترویج انگیزه برای معلمان آموزش غیررسمی و مهارت دهی مجدد و به روز آن ها؛ ایجاد ارزیابی مثبت آموزش غیررسمی اجتماعی؛ استفاده از رویکردهای مختلف سبک های یادگیری و گسترش دسترسی به دانشگاه های باز و منابع آموزشی باز؛
۳. فرصت های مهندسی مجدد زیرساخت های آموزشی، ایجاد یک اکوسیستم آموزشی که مزایای یادگیری رسمی، غیر رسمی و غیررسمی را ترکیب می کند و ادغام الگوهای شناسایی و اعتبار نتایج آموزش غیررسمی در جریان اصلی؛
۴. راه های پر کردن شکاف های کیفی در بازار کار؛ پتانسیل یادگیری پیشرفته برای مقابله با چالش های جدید (پیش سازگاری)؛
۵. استفاده از تکنولوژی ها و شیوه های مدرن از جمله پلتفرم های یادگیری نظیر به نظیر، یادگیری خرد، یادگیری تطبیقی و غیره؛ طراحی منابع آموزشی باز و محیط های آنلاین<sup>۲</sup> به منظور پاسخگویی به نیازهای خود تنظیم شده زبان آموزان.

<sup>۱</sup>OECD<sup>۲</sup>MOOCs

۶. ارزیابی پتانسیل منابع آموزش غیررسمی در زمینه آموزش فرا حرفه ای که به معنای توسعه و بازآموزی مستمر، شامل تغییر شغل، کسب مهارت ها و شایستگی ها در صنایع مرتبط است. تازگی علمی این مطالعه در این است که موضوعات گرایش جهانی در توسعه آموزش غیررسمی را شناسایی می کند و ارتباط مثبتی بین آموزش غیررسمی و پایداری اجتماعی - اقتصادی توسعه یک کشور و همچنین ملی را نشان می دهد.

ویژگی های تشخیص آموزش غیررسمی از جمله تأسیس موسسه ارزیابی صلاحیت های مستقل. این مطالعه به درک جهانی از فرایندهای تحول در آموزش کمک می کند، گسترش یک چارچوب نظری را فراهم می کند و یک تمرکز تحقیقاتی را بر روی ماهیت آموزش غیررسمی به عنوان منبع توسعه حرفه ای و شخصی در زمینه گذار به یک اقتصاد دیجیتال گسترش می دهد.

نتایج این مطالعه می تواند برای اتخاذ اقدامات سیاست اجتماعی برای پر کردن "شکاف صلاحیت"، هماهنگ کردن عرضه و تقاضا برای شایستگی ها و ایجاد پلتفرم های آموزشی تجربی آموزش غیررسمی برای گروه های مختلف اجتماعی و حرفه ای مورد استفاده قرار گیرد. آن ها می توانند در تسریع تصمیم گیری های مدیریتی به منظور ایجاد اکوسیستم های آموزشی یادگیری مادام العمر نقش داشته باشند. یافته های این تحقیق قطعا برای متخصصان، طراحان آموزشی برنامه های آموزشی برای بزرگسالان و دیگر گروه های هدف، سیاست گذاران آموزشی و اجتماعی، مدیران منابع انسانی، ارائه دهندگان آموزش غیررسمی و یکپارچه سازان سیستم مفید خواهد بود. تمام موارد بالا نشان دهنده اهمیت عملی مطالعه هستند. نویسندگان محدودیت های خاص این مطالعه را به رسمیت می شناسند. این مرور تجربه ملی را در آموزش غیررسمی همه کشورهای جهان نشان می دهد. با این وجود، نمونه شامل کشورهایی با سطوح مختلف توسعه اجتماعی - اقتصادی است، که به ما اجازه می دهد تا طیف گسترده ای از تاثیر آموزش غیررسمی را نشان دهیم و درجه نهادینه شدن آن را ارزیابی کنیم. محدودیت کمی این است که داده های آماری در مورد شاخص های مشارکت بزرگسالان در آموزش غیررسمی به دلیل روش شناسی متفاوت برای ارزیابی و اندازه گیری آن ها (تعداد ساعات آموزش و تعداد دوره های تکمیل شده) همیشه قابل مقایسه نیستند. در عین حال، آن ها فرصتی برای ردیابی روندهای کلی در مشارکت بزرگسالان در آموزش غیررسمی فراهم می کنند.

## منابع

- Naghibzadeh, Mirabdolhossein (۲۰۲۲). A Look at the Philosophy of Education. Tehran: Tahoori Library Publishing, ۳<sup>rd</sup> Edition.
- Manteghi, Morteza; Farmani, Shiva; Pourmand, Fahimeh (۲۰۱۳). "A Comparative Study of Informal Learning among Female and Male University Students." *Cognitive Psychology Quarterly*, Vol. ۱, No. ۲. (Persian)
- Atanasova, M. (2015). Training and Development of Human Resources in the Organization. Vanguard Publishing, Sofia.
- Available from: [https://ijbhtnet.com/journals/Vol2No4June ۲۰۱۲/۲.pdf](https://ijbhtnet.com/journals/Vol2No4June%2012/2.pdf).
- Barabasch A., Bohlinger S., Wolf S. Policy transfer in vocational education and training and adult education. *Research in Comparative and International Education*. 2021; 16 (4): 335-338. DOI: ۱۰.۱۱۷۷/۱۷۴۵۵۴۹۹۹۲۱۱۰۶۳۲۵۰.
- Biesta G. What's the point of lifelong learning if lifelong learning has no point? On the democratic deficit of policies for lifelong learning. *European Educational Research Journal*. ۲۰۰۶; ۵ (۳): ۱۶۹-۱۸۰. DOI: ۱۰.۲۳۰۴/eerj.۲۰۰۶.۵.۳.۱۶۹.
- Bjornavald J. Making learning visible: Identification, assessment and recognition of nonformal learning. *Vocational Training: European Journal* [Internet]. 2001 [cited 2022 Jun ۵]; ۲۲: ۲۴-۳۲. Available from: [https://www.cedefop.europa.eu/files/etv/Upload/Information\\_resources/Bookshop/117/22\\_en\\_bjornavold.pdf](https://www.cedefop.europa.eu/files/etv/Upload/Information_resources/Bookshop/117/22_en_bjornavold.pdf).
- Boykov, V., & Boykov, D. (2019). Multi-Technologies Success Factors in Education. Sofia.

- Colardyn, D., & Bjornavold, J. (2004). Terminology of Vocational Training Policy. Luxembourg: Office for Official Publications of the European Communities.
- Council of Europe. (2010). Charter of Education for Democratic Citizenship and Human Rights Education. Council of Europe Publishing.
- Denkowska S., Fijorek K., Węgrzyn G. Formal and non-formal education and training as an instrument fostering innovation and competitiveness in EU member countries. *Journal of Competitiveness*. 2020; 12 (3): 82–98. DOI: ۱۰.۷۴۴۱/joc.۲۰۲۰.۰۳.۰۵.
- Dwirianto S., Pudjihardjo M., Susilo S. Economic empowerment of society through development of non-formal education based on life skill education in Pekanbaru city. *IOSR Journal of Business and Management*. 2014; 16: ۲۶–۳۴. DOI: ۱۰.۹۷۹۰/۴۸۷X-۱۶۲۱۲۶۳۴.
- Etting, A. (1993). What is Nonformal Education? Journal of Agricultural Education, The Pennsylvania State University.
- European Commission. (2018). Lifelong Learning and Skills Development in Europe: Policies and Practices. Publications Office of the European Union. Available at: ec.europa.eu.
- Fakhrudin, Shofwan I. The impact of non-formal education in community development: A case study in Pati, Indonesia. *International Journal of Innovation, Creativity and Change* [Internet]. 2019 [cited 2022 Feb 15]; 5 (5): 339–352. Available from: [https://www.ijcc.net/images/vol5iss5/5525Fakhrudin ۲۰۱۹ E R.pdf](https://www.ijcc.net/images/vol5iss5/5525Fakhrudin%20%20E%20R.pdf).
- Ferreira M., de Grip A., Velden R. V. Does informal learning at work differ between temporary and permanent workers? Evidence from 20 OECD countries. *Labor: Human Capital eJournal*. 2018; 55: 18–40. DOI: ۱۰.۱۰۱۶/j.labeco.۲۰۱۸.۰۸.۰۰۹.
- Fobel L., Kolleck N. Regional patterns of access and participation in non-formal cultural education in Germany. *Education Sciences*. 2022; 12 (1), 13: 1–14. DOI: 10.3390/educsci12010013.
- Garner N., Hayes S., Eilks I. Linking formal and non-formal science education – A reflection from two cases in Ireland and Germany. *Sisyphos Journal of Education*. 2014; 2: ۱۰–۳۱. DOI: ۱۰.۲۵۷۴۹/sis.۴۰۶۴.
- Kalenda J., Kočvarová I. Participation in non-formal education in risk society. *International Journal of Lifelong Education*. 2020; 41 (2): 146–167. DOI: ۱۰.۱۰۸۰/۰۲۶۰۱۳۷۰.۲۰۲۰.۱۸۰۸۱۰۲.
- Kedrayate A. Non-formal education: Is it relevant or obsolete? *International Journal of Business, Humanities and Technology* [Internet]. 2012 [cited 2022 May 10]; 2 (4): 11–15.
- Kersh N., Laczik A. Towards understanding of policy transfer and policy learning in adult education in the context of United Kingdom. *Research in Comparative and International Education*. 2021; 16 (2): 384–404. DOI: 10.1177/17454999211061236.
- Kim D., Lee I. H., Park J. H. Latent class analysis of non-formal learners' self-directed learning patterns in open educational resource repositories. *British Journal of Educational Technology*. [Internet]. 2019 [cited 2022 Sep ۱۵]; ۵۰ (۶): ۳۴۲۰–۳۴۳۶. DOI: ۱۰.۱۱۱۱/bjet.۱۲۷۴۶.
- Knowles M. S. Informal adult education: A guide for administrators, leaders, and teachers. New York: Association Press; 1955. 272 p.
- Knowles M. S., Holton III E. F., Swanson R. A., Robinson P. The adult learner: The definitive classic in adult education and human resource development. London: Routledge; ۲۰۲۰. ۴۰۶ p. DOI: ۱۰.۴۳۲۴/۹۷۸۰۴۲۹۲۹۹۶۱۲
- Krulj, R., Kachapor, S., & Kulic, R. (2003). Pedagogy. The Book World, Belgrade.
- Law on Preschool and School Education. (2016). Ministry of Education and Science, Sofia.
- Marjanovic, M. (2003). Non-formal Education: The Invisible Power of Society. Belgrade.
- Mikulec B., Skubic Ermenc K. Qualifications frameworks between global and European pressures and local responses. *SAGE Open*. 2016; 6 (2): 1–10. DOI: 10.1177/2158244016644948.
- Milovanović, D. (2009). "Non-formal Education in Serbia." WAVE, International Youth Web Magazine. Available at: [wavemagazine.net](http://wavemagazine.net).
- Milutinovic, J. (2003). Information Education: Conceptual Framework and Characteristics. Pedagogical Reality, XLIX(5-6).
- Nikolaeva, S. (2008). Non-formal Education. IM Publishing, Gabrovo.
- OECD. (2015). Education Policy Outlook 2015: Making Reforms Happen. OECD Publishing. DOI: 10.1787/edu\_outlook-2015-en.
- Ololube N. P., Egbezor. A critical assessment of the role/importance of non-formal education to human and national development in Nigeria: Future trends. *International Journal of Scientific Research in Education* [Internet]. 2012 [cited 2022 Mar 17]; 5: 71–93. Available from: <https://www.researchgate.net/publication>



- /۲۲۹۸۲۰۶۶۰ Acritical assessment of the role importance of non-formal education to human and national development in Nigeria future trends .
- Parziale F., Scotti I. Education as a resource of social innovation. *SAGE Open*. 2016; ۶ (۳): ۱-۹. DOI: ۱۰.۱۱۷۷/۲۱۵۸۲۴۴۰۱۶۶۶۲۶۹۱.
- Pavicevic, T., & Petrovic, P. (2015). "Differences Between Formal, Non-formal, and Informal Education." Proceedings of the Faculty of Teacher Education, Belgrade.
- Pedagogical Encyclopedia II. (1993). Department of Textbooks and Teaching Aids. Belgrade.
- Schweitzer F. Researching non-formal religious education: The example of the European study on confirmation work. *HTS Teologiese Studies / Theological Studies*. 2017; 73 (4): 1-8. DOI: 10.4102/hts.v73i4.4613.
- Shala A., Grajevci A. Formal and non-formal education in the new era. *Action Researcher in Education* [Internet]. 2016 [cited 2022 Mar 17]; 7: 119-130. Available from: <https://www.researchgate.net/publication/۳۲۸۸۱۲۳۴۸> Formal and Non-Formal Education in the New Era.
- Souto-Otero M. Validation of non-formal and informal learning in formal education: Covert and overt. *European Journal of Education*. [Internet]. 2021 [cited 2022 Oct 1]; 56 (1): ۱-۱۵. DOI: ۱۰.۱۱۱۱/ejed.۱۲۴۶۴.
- Soyylmaz D., Griffin L. M., Martín M. H., Kucharský Š., Peycheva E. D., Vaupotič N., Edelsbrunner P. A. Formal and informal learning and first-year psychology students' development of scientific thinking: A two-wave panel study. *Frontiers in Psychology*. 2017; 8: ۱۲۳. DOI: ۱۰.۳۳۸۹/fpsyg.۲۰۱۷.۰۰۱۳۳.
- Taylor M., Evans K. Formal and informal training for workers with low literacy: Building an international dialogue. *Journal of Adult and Continuing Education*. 2009; 15 (1): ۳۷-۵۴. DOI: ۱۰.۱۱۷۷/۱۴۷۷۹۷۱۴۰۹۰۱۵۰۰۱۰۵.
- Taylor M., Evans K., Pinsent-Johnson C. Work-based learning in Canada and the
- Taylor M., Trumppower D., Pavic I. Unravelling the lifelong learning process for Canadian workers and adult learners acquiring higher skills. *Journal of Research and Practice for Adult Literacy, Secondary and Basic Education* [Internet]. 2013 [cited 2022 Apr 18]; 3: 95- ۱۰۷. Available from: <https://www.researchgate.net/publication/۲۷۲۴۲۰۳۵۳> Unravelling the lifelong learning process for Canadian workers and adult learners acquiring higher skills.
- Terrazas R. Developing non-formal education competences as a complement of formal education for STEM lecturers. *Journal of Education for Teaching*. 2018; 44: 1-6. DOI: ۱۰.۱۰۸۰/۰۲۶۰۷۴۷۶,۲۰۱۸,۱۴۲۲۶۱۳.
- UNESCO INSTITUTE FOR LIFELONG LEARNING.
- UNESCO. (2021). Fifth Global Report on Adult Learning and Education (GRALE 5). UNESCO Publishing. Available at: [unesdoc.unesco.org](https://unesdoc.unesco.org)
- United Kingdom: A framework for understanding knowledge transfer for workers with low skills and higher skills. *Research in Post-Compulsory Education*. 2010; 15 (4): 347-361. DOI: ۱۰.۱۰۸۰/۱۳۵۹۶۷۴۸,۲۰۱۰,۵۲۶۷۹۶
- Valiente O., Capsada-Munsech Q., Otero J. Educationalisation of youth unemployment through lifelong learning policies in Europe. *European Educational Research Journal*. 2020; 19 (6): 1-19. DOI: ۱۰.۱۱۷۷/۱۴۷۴۹۰۴۱۲۰۹۰۸۷۵۱.
- Van Laar E., Deursen A. J. A. M., Van Dijk J. A. G. M., Haan J. The relation between ۲۱st-century skills and digital skills: A systematic literature review. *Computers in Human Behavior*. 2017; 72: 577-588. DOI: ۱۰.۱۰۱۶/j.chb.۲۰۱۷.۰۳.۰۱۰.
- Węgrzyn G. Adult education as a factor increasing the innovativeness of European Union countries. *Studies of the Industrial Geography Commission of the Polish Geographical Society*. 2019; 33 (2): 18-31. DOI: ۱۰.۲۴۹۱۷/۲۰۸۰۱۶۵۳,۳۳۲,۲.
- Zhelyazkova, T., & Bancheva, M. (2018). "Student Self-Government and Non-formal Education." Available at: [academia.ed](https://academia.ed)